

نقش تعدیل کننده کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی

محسن هداوند میرزایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

چکیده

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بر اساس اطلاعات منتشر شده در گزارش‌های اقتصادی، مالی و غیرمالی، تصمیم می‌گیرند. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در تصمیم‌هایشان، علاوه بر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی مانند اطلاعات کارکنان، عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی و دارایی‌های نامشهود را دخالت می‌دهند. مدیران می‌توانند برای شفاف‌تر شدن اطلاعات، اطلاعات مالی و غیرمالی واقعیت‌های اقتصادی شرکت را به طور داوطلبانه از طریق گزارشگری مالی، افشا کنند. هدف کلی این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی ۱۰۵ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. دو فرضیه پژوهش با توجه به سطح معناداری موردقبول ۹۵ درصد مورد تایید قرار گرفتند؛ بنابراین می‌توان بیان کرد رابطه مستقیم بین ریسک افشای اطلاعات و تقارن اطلاعاتی شرکت وجود دارد و همچنین کیفیت حسابرسی نقش تعدیل‌کننده‌ای بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و تقارن اطلاعاتی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

کیفیت حسابرسی، ریسک افشای اطلاعات مالی، عدم تقارن اطلاعاتی

۱. کارشناس ارشد حسابداری، mhsnmirzaee2@gmail.com.

مقدمه

مدیران فرصت طلب با پرداختن به مدیریت سود، عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش می‌دهد که این امر ریسک افشای اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد؛ باین وجود حسابرس به عنوان مکانیزمی با رسیدگی بر عملکرد مدیران به افشا کردن اطلاعات مربوط به فعالیت‌های آن شرکت می‌پردازند (والاس^۱، ۱۹۸۷)؛ بنابراین حسابرسان با انجام حسابرسی با کیفیت بالا به مهار کردن مدیریت سود می‌پردازند و ریسک افشای اطلاعات مالی را برای استفاده کنندگان از اطلاعات کاهش می‌دهد (سونگ و همکاران^۲، ۲۰۱۴).

به‌طور کلی، کیفیت حسابرسی عبارت است از احتمال اینکه حسابرس در صورت‌های مالی واحد حسابرسی شده اشتباهاتی پیدا کرده و آن‌ها را صادقانه گزارش کند تعریف می‌شود (دی آنجلو^۳، ۱۹۸۱). باین حال برآورد کیفیت حسابرسی کار پیچیده‌ای است و نیازمند تجزیه و تحلیل متمرکز دارد. در مطالعات پیشین نشان می‌دهد معیارهای مختلفی همچون بزرگی مؤسسه حسابرسی (بکر و همکاران^۴، ۱۹۹۸؛ فرانسیس و دیگران^۵، ۱۹۹۹)، دوره تصدی حسابرس (جانسون و همکاران^۶، ۲۰۰۲؛ مایرز و همکاران^۷، ۲۰۰۳)، حق الزحمه حسابرسی و ساعات کارکرد (فرانسیس و استوکس^۸، ۱۹۸۶؛ پالمروز^۹، ۱۹۸۶؛ چوی و پائک^{۱۰}، ۱۹۹۸)، حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی و ساعات کارکرد غیرعادی (کارامانیس و لنوکس^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ پارک و جئون^{۱۲}، ۲۰۰۸)، اندازه اهمیت صاحب‌کار (پارک و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۹)، حضور حسابرسان متخصص در زمینه (نا و چیو^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ گو و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۹) و نظرات حسابرس قبلی به عنوان نماینده حسابرس منظور شده است (نا و چیو، ۲۰۰۶).

در پی بحران سال ۱۹۹۸ در برخی از کشورها شفافیت اطلاعات حسابداری افزایش یافت و تلاش زیادی برای بهبود کیفیت حسابرسی صورت گرفت به‌ویژه در شرکت‌های بزرگ خدمات حسابرسی با مدیریت کردن سود و همچنین به دلیل شهرت و ریسک دعوی با کیفیت بالایی صورت می‌گیرد (گو و همکاران، ۲۰۰۹). علاوه بر این دوره تصدی

¹ - Wallace

² - Song et al

³ - Di Angelo

⁴ - Becker et al

⁵ - Francis et al

⁶ - Johnson et al

⁷ - Myers et al

⁸ - Francis and Stokes

⁹ - Palmrvz

¹⁰ - Choi and Pike

¹¹ - Caramanis and Lennox

¹² - Park and Jeon

¹³ - Park et al

¹⁴ - Na and Chiu

¹⁵ - Gu et al

حسابرس هم به بهبود کیفیت حسابرسی کمک می‌کند (لیم^۱، ۲۰۰۶؛ کوهن و همکاران^۲، ۲۰۰۸). ازاین‌رو سهامداران شرکت به کیفیت حسابرسی اطمینان می‌کنند (کیم، ۲۰۰۶؛ چوی و همکاران، ۲۰۱۰).

بنابراین می‌توان استنباط کرد در صورتی که سهامداران در تشخیص مدیریت سود دچار مشکل شوند می‌توانند با اطمینان کردن به کیفیت حسابرسی، ریسک افشای اطلاعات مالی را به حداقل برسانند. (پارک و همکاران، ۲۰۱۲). برخی سهامدارانی که ادعا می‌کنند که پرداخت سود در همه دوره‌ها ثابت است و مدیریت سود را در قیمت‌گذاری سهام مدنظر قرار می‌دهند زیرا آن‌ها معتقدند که مدیریت سود پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده را دچار مشکل می‌کند و باعث افزایش ریسک اطلاعاتی برای سهامداران می‌شود (گاراها و همکاران^۳، ۲۰۰۸؛ آهان و چویی^۴، ۲۰۰۹).

وقتی عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتی بالا باشد (کیم و جنگ^۵، ۲۰۱۶) حتی شرکت‌های بزرگ حسابرسی هم نمی‌توانند مدیریت سود را با تجربه و تخصصی که دارند محدود کنند؛ و همچنین اگر در شرکتی عدم تقارن اطلاعاتی بالایی وجود داشته باشد (کیم و جنگ، ۲۰۱۶). حتی شرکت‌های بزرگ حسابرسی هم نمی‌توانند مدیریت سود را با تجربه و تخصصی که دارند محدود کنند؛ و همچنین اگر شرکتی عدم تقارن اطلاعاتی بالایی داشته باشد تشخیص کامل مدیریت سود توسط حسابرسان در دوره‌های تصدی طولانی هم دشوار خواهد بود. بااین‌وجود اگر سهامداران در تشخیص مدیریت سود مشکل داشته باشند با تکیه کردن به کیفیت حسابرسی سعی در کم کردن ریسک اطلاعاتی دارند (فرانسیس و دیگران، ۱۹۹۹). لذا از جمله مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی می‌توان به این نکته اشاره کرد که به عنوان یک پدیده‌ای منفی است که به طور معمول در بازارهای اوراق بهادار رخ می‌دهد و باعث می‌شود بین ارزش ذاتی یک سهام و آنچه سرمایه‌گذاران برآورد کرده‌اند، تفاوت ایجاد شود و این مجرا به اتخاذ تصمیم‌های نامناسب اقتصادی بینجامد. بر همین اساس مطالعه نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند موضوع قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. بر همین اساس در پژوهش حاضر درصدد بررسی و پاسخ‌گویی به سؤالات زیر خواهیم بود:

۱- آیا بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری دارد؟

۲- آیا کیفیت حسابرسی رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت را تعدیل می‌کند؟

مبانی نظری پژوهش

مدیران فرصت‌طلب با استفاده از مدیریت سود باعث عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت می‌شوند که این موضوع ریسک افشای اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد و همچنین باعث می‌شود استفاده‌کنندگان از اطلاعات تصمیمات اشتباهی بگیرند (بکر و همکاران، ۱۹۹۸؛ لی و کیم، ۲۰۱۱). هدف حسابرسان مستقل اطمینان از قابلیت اطمینان به اطلاعات مالی برای

¹ - Lim

² - Cohen et al

³ - Garahan et al

⁴ - Oh and Choi

⁵ - Kim and jang

استفاده کنندگان می باشد که این موضوع با نظارت بر مدیران و افشای شفاف عملکرد آن ها می باشد (والاس، ۱۹۸۷). از این رو انجام حسابرسی با کیفیت بالا مدیریت سود را کاهش می دهد و همچنین تقارن اطلاعاتی را کاهش می دهد. شرکت های بزرگ حسابرسی به دلیل شهرتی که دارند از کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به شرکت های کوچک برخوردارند (بکر و همکاران، ۱۹۹۸؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). اعتبار شرکت های بزرگ حسابرسی به دو عامل مربوط می شوند عامل اول حسابرس نقش اطمینان دارد. در صورتی که استفاده کنندگان از اطلاعات به دلیل استفاده از صورت های مالی زیان بینند مدیر شرکت مسئول آن خواهد بود؛ بنابراین مدیران ترجیح می دهند مسئولیت تهیه یا گزارش صورت های مالی خود را به یک شرکت حسابرسی دهند (کانگ و کیم، ۲۰۰۵) و شرکت حسابرسی به عنوان یک تضمین کننده بالقوه به استفاده کنندگان از اطلاعات مالی اطمینان می دهد (والاس، ۱۹۸۷). بر این اساس شرکت های بزرگ حسابرسی سعی دارند با ارائه اطلاعات با کیفیت از خطرات دعوی جلوگیری کند. دومین عامل اعتبار حسابرسان کیفیت حسابرسی می باشد (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶). حسابرسی از یک جهت قابلیت اطمینان به اطلاعات مالی را افزایش می دهد و از طرف دیگر عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران را کاهش می دهد (لی و کیم، ۲۰۱۳). حسابرسی با ارائه اطلاعات دقیق به استفاده کنندگان از منافع شخصی مدیران ممانعت می ورزد و کارایی تخصیص منابع را افزایش می دهد (لی و کو، ۲۰۱۲). شرکت های حسابرسی بزرگ برای حفظ اعتبار خود در شرکت های خاص کیفیت حسابرسی را از طریق آموزش های داخلی و خارجی و سرمایه گذاری انسانی بهبود می بخشند (سونگ و همکاران، ۲۰۱۴). در نتیجه شرکت های بزرگ حسابرسی ممکن است نسبت به سایرین از کیفیت اطلاعاتی بالاتری برخوردار باشند. پس از دی آنجلو (۱۹۸۷) مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته که نشان می دهد که شرکت های بزرگ حسابرسی از کیفیت اطلاعاتی بالاتری نسبت به شرکت های کوچک برخوردارند (بکر و همکاران، ۱۹۹۸؛ فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۹). باین حال پارک و همکاران (۱۹۹۹) به پژوهشی در چین پرداختند که برخلاف همه پژوهش ها بیان کردند که شرکت های حسابرسی کوچک نسبت به شرکت های بزرگ دارای کیفیت اطلاعاتی بالاتری که سرانجام پس از بحران مالی سال ۱۹۹۸ خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری صورت گرفت (گو و همکاران، ۲۰۰۹) نشان دادند که شرکت های حسابرسی بزرگ با توجه به اینکه شهرت بالایی دارند و از خطرات دعوی خودداری می کنند کیفیت حسابرسی بالاتری دارند لذا بر پایه این استدلال، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱) بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

از آنجایی که سهامداران تمایل به پرداخت کامل اصل و سود در طولانی مدت دارند باعث بی ثباتی جریان های نقدی می شود. باین حال وقتی عدم اطمینان اطلاعات مالی زیاد است ریسک افشای اطلاعات مالی برای سهامداران در پیش-بینی جریان های نقدی آینده افزایش می یابد (آهان و چوی، ۲۰۰۹). مدیران قارند با در نظر گرفتن هزینه و سود شرکت به مدیریت سود پردازند که در نهایت اشکال مختلفی از مدیریت سود به وجود می آید (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶). برخلاف مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی می تواند بر سطح جریان نقدی آینده تأثیر منفی بگذارد و بنابراین نوسانات آن ها را افزایش می یابد (گاراها و همکاران، ۲۰۰۵). بر همین اساس اگر اعتبار دهندگان و وام دهندگان مدیریت سود را درک کنند باید رابطه مثبتی با بدهی داشته باشد. به طور کلی می توان بیان کرد که در صورتی که شرکتی عدم تقارن اطلاعاتی بالایی داشته باشد ریسک افشای اطلاعات مالی افزایش می یابد و مدیران بانگیزه بیشتری به دنبال منافع خود

می‌روند و سهامداران برای تصمیم‌گیری خود با مشکل مواجه می‌شوند حسابرسی به‌صورت مکانیزمی به کیفیت اطلاعات کمک می‌کند به این صورت که با در نظر گرفتن کیفیت حسابرسی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک افشای اطلاعات مالی می‌پردازد و همچنین هر چه شرکت حسابرسی بزرگ‌تر باشد حسابرسی با کیفیت بیشتری صورت می‌گیرد زیرا که این شرکت‌ها به دلیل شهرتی که دارند و ممانعت از ریسک دعوی به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی می‌باشند. لذا بر پایه این استدلال، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه ۲) کیفیت حسابرسی رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و تقارن اطلاعاتی شرکت را تشدید می‌کند.
پیشینه پژوهش

جودی و منصور فر (۱۳۹۹) به پژوهشی تحت عنوان نقش کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ابعاد آگاهی‌دهندگی و فریبندگی مدیریت سود در ۱۰۶ شرکت بورسی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ پرداختند و بیان کردند بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود آگاهی‌دهنده و تأثیر مثبت بر مدیریت سود فریبنده دارد. همچنین نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند وجود کیفیت حسابرسی، شدت تأثیر منفی عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود آگاهی‌دهنده و شدت تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود فریبنده را تا حد چشمگیری کاهش می‌دهد.

کردستانی و همکاران (۱۳۹۸) به پژوهشی تحت عنوان تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند و آن‌ها به بررسی ۹۰ شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بورس تهران در دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ پرداختند و بیان کردند بین کیفیت افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و همچنین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، رابطه منفی کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می‌کند.

حجازی و همکاران (۱۳۹۵)، به پژوهشی تحت عنوان تأثیر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی در ۱۲۶ شرکت بورسی ایرانی در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ پرداختند و بیان کردند اگر حسابرسی با کیفیت بالا صورت گیرد عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد؛ بنابراین بین کیفیت حسابرسی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود دارد.

بهبانی نیا و معصومی (۱۳۹۵) به پژوهشی تحت عنوان نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در ۲۰۱۰ شرکت بورسی ایرانی در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ پرداختند و بیان کردند ارتباط معناداری بین کیفیت حسابرسی و کاهش عدم اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران وجود ندارد. لذا بین کیفیت حسابرسی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود ندارد.

یونگ و سون^۱ (۲۰۲۰)، به پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی در ۲۱۷ شرکت چینی در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ پرداختند و بیان کردند بین افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد؛ و بین کیفیت حسابرسی بالا و عدم تقارن اطلاعاتی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی به عنوان مکانیزمی بین افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه برقرار می‌کند.

¹ - Young and Sun.

چن و همکاران^۱ (۲۰۱۹) به پژوهشی تحت عنوان کیفیت حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی در ۵۰ شرکت تایوانی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ پرداختند و دریافتند کیفیت حسابداری با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معکوسی دارد.

آجینا و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، به پژوهشی تحت عنوان رابطه افشای شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی و نقد شوندگی سهام در ۸۰ شرکت فرانسوی در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند بین نقد شوندگی سهام و افشای شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد همچنین دریافتند بین عدم تقارن اطلاعاتی و افشای شرکت ارتباط منفی معناداری وجود دارد.

هشام عبدلقلنی^۳ (۲۰۱۵)، به پژوهشی تحت عنوان تأثیر کیفیت افشا حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی در فعالیت‌های بازار سهام در ۱۱۰ شرکت مصری در دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند که ارتباط مثبت و معناداری میان عدم تقارن اطلاعاتی و بازده سهام وجود دارد و بین کیفیت افشای شرکت و نرخ بازده سهام ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و همچنین نشان دادند کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی و نرخ بازده سهام ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

مدل رگرسیونی پژوهش

برای سنجش فرضیه اول پژوهش از رابطه زیر استفاده خواهد شد

$$IA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Riskdisc_{i,t} + \beta_2 AQ_{i,t} + \beta_3 Risk\ disc_{i,t} \times AQ_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 LV_{i,t} + \beta_6 GROWTH_{i,t} + \beta_7 ROE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$SPREAD_{i,t}$: عدم تقارن اطلاعاتی شرکت i در سال t . (وابسته)

$Risk\ disc_{i,t}$: ریسک افشای اطلاعات مالی شرکت i در سال t . (مستقل)

$AQ_{i,t}$: کیفیت حسابداری شرکت i در سال t . (تعدیل گر)

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی شرکت i در سال t . (کنترلی)

$\beta_5 LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t . (کنترلی)

$ROE_{i,t}$: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t . (کنترلی)

$GROWTH_{i,t}$: نرخ رشد شرکت i در سال t . (کنترلی)

$\varepsilon_{i,t}$: ضریب خطای شرکت i در سال t .

متغیر تعدیل گر: کیفیت حسابداری

برای محاسبه کیفیت حسابداری از سه معیار: (۱) حق الزحمه حسابداری؛ (۲) تخصص حسابداری در صنعت؛ (۳) اندازه موسسه حسابداری استفاده شده است. کیفیت حسابداری شامل مجموع نمرات (حق الزحمه حسابداری، تخصص حسابداری و اندازه موسسه حسابداری) است که تابع ریاضی آن به صورت زیر بیان شده است.

¹ - Chen et al

² - Ajina et al

³ - Hisham Abd El-Qeni

رابطه (۳-۳)

$$AQ_{i,t} = \sum (AuditFee_{i,t} + SP_{i,t} + BN_{i,t})$$

که در آن:

$AQ_{i,t}$: مجموع نمرات به‌دست‌آمده از سه معیار در نظر گرفته (۱) حق‌الزحمه حسابرسی؛ تخصص حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی برای شرکت i در سال t است

$AuditFee_{i,t}$: نسبت هزینه‌های پرداخت‌شده به حسابرسی در شرکت i در سال t ؛ به‌کل هزینه‌های حسابرسی در صنعت. بدین‌صورت که اگر نسبت به‌دست‌آمده بیشتر از ۲۰ درصد میانه صنعت باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت.

$SP_{i,t}$: یک متغیر مجازی است که در صورت وجود تخصص حسابرسی در صنعت، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت. جهت محاسبه تخصص حسابرسی در صنعت از طریق زیر محاسبه خواهد شد:

تخصص حسابرسی در صنعت؛ با رویکرد سهم بازار اندازه‌گیری شده است، بر طبق این معیار و با پیروی از مدل پالم زر؛ مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم‌بر مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران در این صنعت خاص. مؤسساتی در این تحقیق به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از معادله زیر باشد:

رابطه (۳-۴)

$$[(1/2) * (\text{شرکت‌های موجود در یک صنعت } 1/)]$$

$BN_{i,t}$: یک متغیر مجازی است که در صورت انجام حسابرسی توسط سازمان حسابرسی برای شرکت i در سال t ، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت (یانگ و سان، ۲۰۲۰؛ مراده فرد و همکاران، ۱۳۹۶)

متغیر مستقل: ریسک افشای اطلاعات مالی

افشای ریسک شامل تمامی اطلاعاتی است که شرکت‌ها در خصوص ریسک‌هایی که با آن مواجه‌اند و در گزارش‌های مالی سالانه خود ارائه می‌دهند، است. افشای ریسک شامل اطلاعاتی است که ریسک‌های اصلی شرکت و تأثیر اقتصادی مورد انتظار آن‌ها بر عملکرد شرکت را توصیف می‌کند، این اطلاعات به سرمایه‌گذاران در ارزیابی جریان‌ات نقدی آتی کمک می‌کند. علاوه بر آن، افشای ریسک شامل ریسک‌های گذشته، حال و آتی شرکت‌ها و اقدامات مدیریت ریسک مرتبط با آن‌ها توسط شرکت است. در ایران سازمان بورس اوراق بهادار در دستورالعمل گزارش فعالیت هیئت مدیره، در بخش ریسک‌های عمده شرکت‌ها را ملزم به ارائه گزارش ریسک کرده است. در این دستورالعمل ۰۱ طبقه کلی از ریسک به عنوان رهنمودی از ریسک‌های عمده ارائه شده است. در این پژوهش با استفاده از گزارش ریسک شرکت‌ها و به پیروی از ادبیات پیشین ریسک‌های افشاشده شرکت‌ها به ۲ گروه کلی ریسک‌های استراتژیک، مالی، عملیاتی و قوانین و مقررات طبقه‌بندی شده‌اند و سپس با استفاده از مدل میهکنن (۲۰۱۲) شاخص افشای ریسک محاسبه شده است. میهکنن (۲۰۱۲) شاخص کیفیت افشای ریسک را به صورت زیر محاسبه کرده است:

کمیت افشا پروکسی معتبری برای کیفیت افشا است (بستان، ۲۰۰۴)، بدین منظور ابتدا لگاریتم طبیعی تعداد کلمات افشای ریسک به عنوان شاخص تجربی برای کیفیت افشا مطابق رابطه زیر محاسبه می شود:

$$QUANTITY = \ln(\text{تعداد کلمات ریسک افشا شده})$$

در این پژوهش جهت شمارش تعداد کلمات ریسک مطابق پژوهش های پیشین (لینسلی و شریوز، ۲۰۰۶، البانان و البانان، ۲۰۱۵، میهنکن، ۲۰۱۳) از روش تحلیل محتوی دستی استفاده شده است. در مرحله بعد پوشش افشای ریسک محاسبه می شود. پوشش افشای ریسک دومین حوزه کیفیت است (بتی و همکاران، ۲۰۰۴). برای محاسبه پوشش ریسک ابتدا شاخص هرفیندال به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\text{Herfindahl index} = \sum_{i=1}^n p_i^n$$

که

p_i : نسبت کلمات افشای ریسک موضوع i

و در نهایت شاخص کیفیت افشای ریسک از طریق معادله زیر محاسبه می شود:

$$\text{Coverage} = \left[\frac{\left(\frac{1}{H} \right)}{\text{تعداد طبقات اصلی ریسک}} \right]$$

متغیر وابسته: عدم تقارن اطلاعاتی

برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی با توجه به پژوهش های صورت گرفته توسط لفلین و همکاران^۱ (۱۹۹۸)؛ فرانک و گویال^۲ (۲۰۰۳)؛ کلارکسن و همکاران^۳ (۲۰۰۸)؛ کورمیر و همکاران^۴ (۲۰۰۹) از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت استفاده شده است که محاسبه آن به شرح زیر است: (فخاری و رضایی پیته نوئی، ۱۳۹۶).

$$SPREAD = \frac{[(AP - BP) \times 100]}{\frac{(AP - BP)}{2}}$$

متغیرهای کنترلی (اهرم مالی، نرخ بازده دارایی)

اهرم مالی (LEV): از طریق حاصل تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی ها اندازه گیری می شود (یانگ و سان، ۲۰۲۰).

نرخ بازده دارایی (ROA): از تقسیم نسبت سودخالص به ارزش دفتری کل دارایی ها اندازه گیری می شود (یانگ و سان، ۲۰۲۰).

نرخ رشد شرکت (GROWTH): بر اساس تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل ارزیابی می شود. (علیخانی و دارابی، ۱۳۹۸).

نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): از حاصل تقسیم سود خالص قبل از کسر مالیات بر حقوق صاحبان سهام به دست خواهد آمد (علیخانی و دارابی، ۱۳۹۸).

¹ - Leflin et al

² - Frank and Goyal

³ - Clarkson et al

⁴ - Cormier et al

آمار توصیفی

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۰۲۹	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۰۱۱
کیفیت حسابرسی	۲/۴۵۶	۲/۳۰۸	۲/۰۰۰	۳/۰۰۰	۱/۳۲۷
ریسک افشای اطلاعات	۰/۴۱۵	۰/۳۵۰	۰/۲۶۴	۱/۰۰۰	۰/۱۷۷
نرخ رشد	۲/۴۵۴	۲/۰۴۸	-۱۱/۲۳۹	۱۲/۵۱۵	۲/۲۶۹
نرخ بازده دارایی	۰/۱۸۶	۰/۱۵۵	-۰/۰۱۰	۰/۱۸۶۲	۰/۱۵۱
اهرم مالی	۰/۵۵۹	۰/۵۹۶	۰/۱۰۱	۰/۹۶۴	۰/۵۲۳
نرخ حقوق صاحبان سهام	۰/۲۹۳	۰/۳۲۴	-۹/۵۵۶	۴/۴۲۷	۰/۶۸۹

در جدول فوق برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده‌ها به عنوان شاخص‌های مرکزی و انحراف معیار به عنوان شاخص پراکندگی و ضریب کشیدگی، ضریب چولگی به عنوان شاخص‌های توزیعی ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین دامنه پیشنهادی خرید و فروش نشان می‌دهد که به طور متوسط میزان دامنه پیشنهادی خرید و فروش سهام ۲ درصد است. این بدین معنی است که در اکثر شرکت‌ها سطح عدم تقارن اطلاعاتی پایین است. همچنین میانه کیفیت حسابرسی شرکت نشان‌دهنده آن است که نیمی از شرکت‌های مورد نمونه بیشتر از این میزان دارای کیفیت بالای حسابرسی هستند و نیمی دیگر کمتر از این میزان هستند. بدین صورت که اکثریت شرکت‌ها از کیفیت بالای حسابرسی برخوردارند. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر انحراف معیار نرخ رشد برابر با ۲/۲۶۹ است.

آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

یکی از عمده‌ترین مشکلات که در رگرسیون سری‌های زمانی ممکن است رخ دهد، پدیده رگرسیون ساختگی می‌باشد. رگرسیون ساختگی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن علیرغم وجود ضریب تعیین بالا، رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد. به منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی لوین، لین و جو (LLC) و آیم، پسران و شین (IPS) برای متغیرهای پژوهش شده است. واضح است در صورتی که بر پایه آزمون‌های فوق متغیرها ریشه واحد داشته باشند و نیاز به یک بار تفاضل‌گیری باشد، درجه انباشتگی یک (I(۱)) می‌باشد. در صورتی که بر پایه آزمون‌های فوق متغیر مانا باشند آنگاه درجه انباشتگی آن متغیر صفر (I(۰)) خواهد بود. جدول (۳) نتایج آزمون مانایی متغیرها را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار

این آماره برای هر یک از متغیرها معنادار بوده، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرها رد می‌شود. به بیان دیگر، مانایی داده‌ها تأیید می‌گردد.

جدول ۳. آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	IA	Q-Tobin	Risk disc	AQ	ROA	GROWTH	ROE	LEV
آماره IPS	-۲/۴۵	-۳/۴۴	-۲/۹۲	-۴/۳۵	-۳/۷۱	-۳/۵۸	-۴/۲۱	-۳/۰۸
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
نتیجه آزمون	I(۱)	I(۱)	I(۰)	I(۱)	I(۱)	I(۱)	I(۱)	I(۱)
آماره LLC	-۵/۱۱	-۴/۸۸	-۵/۳۶	-۳/۴۲	-۳/۹۵	-۲/۵۳	-۳/۴۱	-۳/۶۶
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
نتیجه آزمون	I(۰)	I(۰)	I(۰)	I(۰)	I(۰)	I(۰)	I(۰)	I(۰)

آزمون‌های فروض مدل رگرسیون خطی

جدول (۴) حاکی از مجموعه‌ای از فروض، تحت عنوان فروض کلاسیک وجود دارد که ابتدا بایستی به آزمون این فرضیه‌ها پرداخت. فرض همسانی واریانس باقی‌مانده‌ها از طریق آزمون بروش-پاگان-گودفری مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در مدل پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل پژوهش رد می‌شود؛ بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده شده است. همچنین برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آزمون خودهمبستگی سریالی بروش-گادفری استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون در جدول ۴ نشان می‌دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقدار احتمال برای مدل پژوهش بالای ۵ درصد می‌باشد، می‌توان فرض صفر را تأیید کرد. به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا در مدل پژوهش برقرار است. از سویی جهت بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰، نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون که در جدول ۴ نشان می‌دهد که در مدل پژوهش، میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در حد مجاز خود قرار داشته و از این بابت مشکلی وجود ندارد. همچنین جهت نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جارکو-برا استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جمله خطا در مدل پژوهش رد می‌شود. زمانی که نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن به طور معمول بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، بدون تورش هستند و از کارآیی برخوردارند. با توجه به این مطلب می‌توان فرض نرمال بودن جمله خطا را نادیده گرفت.

جدول ۴. فروض مدل رگرسیون خطی

مدل/فروض رگرسیون خطی		آزمون همسانی واریانس باقی‌مانده‌ها		عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا		عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی		نرمال بودن جمله خطا	
احتمال	آماره F	احتمال	آماره F	احتمال	آماره F	عامل تورم واریانس	احتمال	احتمال	آماره F
۰/۰۰۴	۸/۷۰۶	۰/۲۳۸	۳/۹۲۴	کمتر از ۳	۰/۰۰۰	۱۲/۴۵۳	منبع: یافته‌های پژوهشگر		

آزمون F لیمر و هاسمن

قبل از تخمین مدل لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا ترکیبی (پانل)) مشخص شود. برای این منظور از آزمون چاو استفاده شده است. طبق جدول (۵)، احتمال F لیمر مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین برای تخمین تمام مدل‌ها از روش تابلویی استفاده می‌شود. با توجه به اینکه نتایج آزمون هاسمن برای مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا جهت تخمین مدل از روش اثرهای ثابت استفاده شده است.

جدول ۵. آزمون F لیمر و هاسمن

نتایج آزمون چاو (F لیمر)					نتایج آزمون هاسمن				
مدل	آماره	درجه آزادی	سطح خطا	روش پذیرفته شده	مدل	آماره	درجه آزادی	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل	۶/۸۸۳	۱۰۴/۳۲۴	۰/۰۰۲	روش داده‌های تلفیقی	مدل	۱۵/۳۲۰	۵	۰/۰۰۸	روش اثرات ثابت

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۷. نتایج برآورد مدل اول پژوهش

مدل پژوهش				متغیر
احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۰۲۳	۳/۰۶۸	۰/۰۳۱	۰/۰۹۸	ضریب ثابت
۰/۰۰۰۰	۳/۰۶۸	۱/۱۵۰	۳/۵۲۹	ریسک افشای اطلاعات مالی
۰/۰۰۰۰	۳/۰۷۲	۱/۳۴۳	۴/۱۲۸	کیفیت حسابرسی شرکت
۰/۰۴۴۸	۲/۰۱۶	۰/۰۲۶	۰/۰۵۳	اثر تعاملی ریسک افشای اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی

مدل پژوهش				متغیر
احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۱۴۲	۲/۲۶۸	۰/۰۷۱	۰/۱۶۲	نرخ بازده دارایی شرکت
۰/۰۰۴۶	۳/۲۸۹	۰/۰۷۲	۰/۲۳۹	اهرم مالی شرکت
۰/۰۰۱	۳/۳۲۰	۰/۰۸۷	۰/۲۸۹	نرخ بازده حقوق صاحبان سهام
۰/۰۰۶۱	۴/۹۹۱	۰/۰۶۲۳	۰/۳۱۱	نرخ رشد شرکت
۰/۵۳۲				ضریب تعیین
۰/۵۰۸				ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۸۶۱				دورین - واتسون
۱۸/۵۱۲۶				آماره F
۰/۰۰۰۰۰				احتمال (آماره F)
متغیر وابسته پژوهش: عدم تقارن اطلاعاتی				
منبع: یافته‌های پژوهشگر				

با توجه به بخش آماره‌های موزون برآورد مدل در جدول (۷) مشخص می‌شود که آماره F و سطح معناداری آن بیانگر معنادار بودن رگرسیون است (مقدار آماره F بزرگ‌تر از مقدار بحرانی و معناداری آن زیر سطح خطای ۰/۰۵ است). همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل اول مقدار قابل توجه ۵۰ درصد و برای مدل دوم ۵۳ درصد است. جهت آزمون فرضیه اول پژوهش با توجه به سطح معناداری متغیر ریسک افشای اطلاعات و با توجه به سطح معناداری مورد قبول ۹۵ درصد می‌توان اظهار داشت که فرضیه اول پژوهش مورد قبول بوده و رابطه مستقیم بین ریسک افشای اطلاعات و تقارن اطلاعاتی شرکت وجود دارد.

همچنین، جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش با توجه به سطح معناداری متغیر تعدیل گر کیفیت حسابرسی که مقدار آن کمتر از ۰/۰۴۴ است و با توجه به سطح معناداری مورد قبول ۹۵ درصد می‌توان اظهار داشت که فرضیه دوم پژوهش مورد قبول بوده و کیفیت حسابرسی نقش تعدیل کننده‌ای بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و تقارن اطلاعاتی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری پژوهش

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بر اساس اطلاعات منتشر شده در گزارش‌های اقتصادی، مالی و غیرمالی، تصمیم می‌گیرند. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در تصمیم‌هایشان، علاوه بر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی مانند اطلاعات کارکنان، عملکرد اجتماعی و زیست محیطی و دارایی‌های نامشهود را دخالت می‌دهند. مدیران می‌توانند برای شفاف‌تر شدن اطلاعات، اطلاعات مالی و غیرمالی واقعیت‌های اقتصادی شرکت را به طور داوطلبانه از طریق گزارشگری مالی، افشا کنند. پژوهش‌های سال‌های اخیر نشان داده است که چارچوب گزارشگری مالی سنتی، توانایی ارائه اطلاعات کاملی از فعالیت‌های شرکت را ندارد.

شفافیت و افشای اطلاعات شرکت‌ها را می‌توان به عنوان مکانیزمی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفت و این امر سبب می‌شود تا عدم تقارن اطلاعاتی کمتر به وجود آید و هزینه نمایندگی کم شود. عدم تقارن اطلاعاتی، دارای پیامدهای نامطلوب متفاوتی از قبیل، افزایش هزینه‌های معاملات، ضعف بازار، نقدشوندگی پایین و به طور کلی کاهش سود حاصل از معاملات در بازار سرمایه خواهد شد. این پیامدهای نامطلوب را می‌توان با افشا و شفافیت اطلاعات مالی به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تعدیل نمود. اغلب چنین استدلال می‌شود که جریان شفاف و با کیفیت اطلاعات، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. عدم تقارن اطلاعاتی، موجب بروز مشکلاتی نظیر مخاطره اخلاقی و انتخاب نادرست می‌شود. لذا، دلیل اصلی تاکید مطالعات اخیر بر افشای داوطلبانه و افزایش شفافیت اطلاعات، این است که این دو به عنوان دو مکانیزم مهم برای حفاظت از حقوق ذی‌نفعان از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تلقی می‌شوند.

بنابراین از جمله عواملی که می‌تواند بر سطح افشای اطلاعات در شرکت‌ها تاثیرگذار باشد، ویژگی‌های کیفیت حسابرسی است. به طور مثال، لی و همکاران (۲۰۰۶) این موضوع را مطرح می‌کنند که کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی، عملکرد مشترکی از اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت از یک سو و فرآیند حسابرسی از سوی دیگر است؛ بنابراین، محتوای گزارش‌های سالانه، صرفاً توسط حسابرسان مورد حسابرسی قرار نگرفته، بلکه از آن‌ها تاثیر نیز می‌پذیرد. مطالعات پیشین بیان می‌کنند که کیفیت بالای حسابرسی، به بهبود افشای داوطلبانه در گزارش‌های سالانه کمک می‌نماید.

بر این اساس نتایج بدست آمده از فرضیه اول نشان می‌دهد که بین ریسک افشای اطلاعات مالی و تقارن اطلاعاتی شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه بدست آمده را می‌توان اینگونه مورد استدلال قرار داد که کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها به طور بالقوه از دو راه، عدم تقارن اطلاعاتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اول اینکه کیفیت افشای اطلاعات از طریق تغییر در رفتار معامله‌ای سرمایه‌گذاران ناآگاه، بر عدم تقارن اطلاعاتی اثرگذار است. در این رابطه با توجه به فرضیه شناخت سرمایه‌گذاری مرتون، سرمایه‌گذاران ناآگاه به احتمال بیشتری در شرکت‌هایی که به خوبی شناخته شده‌اند و شهرت دارند، سرمایه‌گذاری و معامله می‌کنند؛ بنابراین اگر کیفیت افشای بالاتر باعث مطرح شدن شرکت شده یا هزینه فرآیند افشای اطلاعات را کاهش دهد، سهام شرکت بیشتر توسط سرمایه‌گذاران ناآگاه معامله خواهد شد. بر این اساس، هرچه ریسک کیفیت افشا بالاتر باشد، معاملات کمتر آگاهانه کاهش می‌یابد که آن نیز با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی همراه است. دومین راه تاثیر کیفیت افشای اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعاتی، تغییر در انگیزه جست‌وجوی اطلاعات محرمانه است. شرکت‌های با کیفیت افشای بالاتر به احتمال بیشتری به انتشار سریع اطلاعات کلی و آینده‌نگر اقدام می‌کنند. با افزایش کیفیت افشای اطلاعات، احتمال کشف اطلاعات پیش از افشای عمومی آن‌ها کاهش می‌یابد و به دنبال آن، سود مدنظر از جست‌وجوی اطلاعات محرمانه و انگیزه‌های کشف اطلاعات محرمانه کاهش می‌یابد. در نتیجه کیفیت افشای بالاتر، از تعداد سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به کسب اطلاعات محرمانه و معامله کاسته می‌شود و به دنبال آن هزینه مبادله کاهش می‌یابد.

بر این اساس نتایج بدست آمده از فرضیه دوم نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و تقارن اطلاعاتی شرکت را تعدیل می‌کند. نتیجه بدست آمده را می‌توان اینگونه مورد استدلال قرار داد که مدیران فرصت‌طلب با استفاده از مدیریت سود باعث عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت می‌شوند که این موضوع ریسک افشای

اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد و همچنین باعث می‌شود استفاده‌کنندگان از اطلاعات تصمیمات اشتباهی بگیرند. هدف حسابرس مستقل اطمینان از قابلیت اطمینان به اطلاعات مالی برای استفاده‌کنندگان می‌باشد که این موضوع با نظارت بر مدیران و افشای شفاف عملکرد آن‌ها می‌باشد. از این رو انجام حسابرسی با کیفیت بالا مدیریت سود را کاهش می‌دهد و همچنین تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. از آنجایی که سهامداران تمایل به پرداخت کامل اصل و سود در طولانی مدت دارند باعث بی‌ثباتی جریان‌های نقدی می‌شود. با این حال وقتی عدم اطمینان اطلاعات مالی زیاد است ریسک افشای اطلاعات مالی برای سهامداران در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده افزایش می‌یابد. بر همین اساس اگر اعتباردهندگان و وام‌دهندگان مدیریت سود را درک کنند باید رابطه مثبتی با بدهی داشته باشد. به طور کلی می‌توان بیان کرد که در صورتی که شرکتی عدم تقارن اطلاعاتی بالایی داشته باشد ریسک افشای اطلاعات مالی افزایش می‌یابد و مدیران با انگیزه بیشتری به دنبال منافع خود می‌روند و سهامداران برای تصمیم‌گیری خود با مشکل مواجه می‌شوند حسابرسی به صورت مکانیزمی به کیفیت اطلاعات کمک می‌کند به این صورت که با در نظر گرفتن کیفیت حسابرسی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک افشای اطلاعات مالی می‌پردازد و همچنین هر چه شرکت حسابرسی بزرگ‌تر باشد حسابرسی با کیفیت بیشتری صورت می‌گیرد زیرا که این شرکت‌ها به دلیل شهرتی که دارند و ممانعت از ریسک دعوی به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی می‌باشند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

(۱) به سازمان‌های سیاست‌گذار، اجرایی و نظارتی باید ساختاری اتخاذ کنند تا شرکت‌ها به ارائه گزارش‌های مالی واقعی، دقیق و صحیح ملزم شوند. تا از این طریق ریسک افشای اطلاعات را کاهش داده و به تبع آن این امر باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

(۲) با توجه به اینکه سهامداران نسبت به نوسان‌های حجم معاملات در بازار سهام واکنش نشان می‌دهند، بهتر است سازمان بورس اوراق بهادار تهران شفافیت اطلاعاتی بیشتری در رابطه با علت اینگونه نوسان‌ها در اختیار داشته باشد تا مشخص شود این نوسانات ناشی از اقدامات سفته‌بازانه یا معاملات گروه‌های خاصی از سرمایه‌گذاران است یا خیر

منابع

- بذرافشان. آمنة. ۱۳۸۹. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود. دانش حسابداری. ش، ۴، ص، ۶۵-۸۲
- بهبهانی نیا، پریسا سادات؛ معصومی، جواد. (۱۳۹۵). نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۴، صفحه ۹۳-۱۰۶.
- جعفری، علی. ۱۳۸۵. عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی، پایان‌نامه مقطع دکترای حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حجازی، رضوان؛ زارعی، بتول؛ حاتمی، فرهاد. (۱۳۹۵). تأثیر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی، بررسی‌های حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحه ۱-۱۸.
- حساس یگانه، یحیی. ۱۳۸۵. در جستجوی عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی «، فصلنامه حسابدار رسمی، شماره‌های ۸ و ۹، بهار و تابستان.

- خواجه‌جوی، شکرالله و عزیزاده، وحید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سطح افشای داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی. دوره ۱۱. شماره ۴۲. صص ۸۹-۱۱۴.
- دارینی، علی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه افشای داوطلبانه اطلاعات مالی با ارزش شرکت‌های واگذار شده. محتوای ملی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران
- رجبی، روح‌الله (۱۳۸۵). چالش‌های تعویض حسابرس، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۹ و ۸، صص ۶۲-۵۳
- ستایش، محمدحسین و کاظم نژاد، مصطفی. (۱۳۹۱). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری. دوره ۴. شماره ۱. صص ۴۹-۷۹
- ستایش، محمدحسین؛ غفاری، محمد جواد و رستم زاده، ناصر. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- سلیمانی امیری، غلامرضا و فرشی، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی اثر تأمین مالی از بانک و اهداف مالیاتی بر رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری. دانش حسابداری. سال سوم. شماره ۱۱. صص ۵۷-۸۴
- سینایی، حسنعلی و داوودی، عبدالله. (۱۳۸۸). بررسی رابطه شفاف‌سازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی. شماره ۲۷. صص ۴۰-۶۳
- علوی طبری. سید حسین، عارف منش. زهره. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه تخصص صنعت حسابرسان و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» مجله دانش حسابداری. شماره ۱۴. صص ۷ تا ۲۶.
- فرشی، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی اثر تأمین مالی از بانک بر رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پنجمین کنفرانس نظام تأمین مالی در ایران
- فهمیم، عیسی؛ عزیزی، صدیقه؛ حسینی، صدیقه و ایوار، مجید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بازار بورس اوراق بهادار تهران. کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری.
- کردستانی، غلامرضا؛ بهرام فر، نقی؛ امیری، علی. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی، پژوهش‌های حسابرسان و حسابداری مالی، دوره ۱۱، شماره ۴۲ - شماره پیاپی ۴۲، صفحه ۱۵۹-۱۷۸.
- مراد زاده فرد، مهدی؛ نوروزی، محمد؛ محرم زاده، ناهید. (۱۳۹۶). اثربخشی کمیته حسابرسان و کیفیت حسابرسان: آزمون تجربی رویکرد نظارتی، پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسان، دوره ۱، شماره ۴ - شماره پیاپی ۴، صفحه ۱۷۷-۱۹۸.
- مهدوی، غلامحسین و رستگاری، نجمه. (۱۳۹۷). کیفیت حسابرسان و محدودیت در تأمین مالی. مدیریت دارایی و تأمین مالی. دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- نمازی، محمد و میمند، مهدی ابراهیمی. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی افشای ریسک در گزارش سالانه شرکت‌ها و عوامل مؤثر بر آن. دانش حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۳۰.

Ahn, S. Y. and W. S. Choi, 2009, The role of bank monitoring in corporate governance: Evidence from borrowers' earnings management behavior, Journal of Banking & Finance 33, pp. 425-434.

Almutairi, Ali R. Dunn, Kimberly A. and Skantz, Terrance, (2009). "Auditor tenure, auditor specialization, and information asymmetry, Managerial Auditing Journal 24, page 600

- Azizkhani, M. Monroe, GS. And Shailer, G. (2013). Auditor tenure and perceived Credibility of financial Reporting, The Australian National University, Working paper
- Balsam, F. Patel J. and Zechhauser R, (1999), "*Earnings Management To Exceed Threshold*" sJournal of Business, 72: 1-33.
- Beattie, V. and Fearnley, S. (1998). Audit market competition: auditor changes and the impact of tendering. *The British Accounting Review*. 30 (3): 261-289.
- Becker, C. Defond, M. Jiambalvo, J. and Subramanyam, K. (۱۹۹۸), "the effect of audit quality on earnings management", *Contemporary Accounting Research*, Vol. ۱۵ No. ۱, pp. ۱-۲۴.
- Becker, C. M. DeFond, J. Kiambalvo, and K. Subramanyam, 1998, The effect of audit quality on earnings management, *Contemporary Accounting Research* 15, pp. 1-24.
- Bhattacharya, N, Desai. H. and Venkataraman, K.2009. Earnings Quality and Information Asymmetry, Working Paper
- BRENNAN.M and ALAN. K. (1995). Efficient Financing under Asymmetric Information, *THE JOURNAL OF FINANCE* VOL. XLII. NO. 5 DECEMBER 1995.
- Brown, S. and Hillegiest, S. A. (2007), "How Disclosure Quality Affects the Level of Information Asymmetry", *Reviewe of Accounting Studies*, Vol. 12, PP. 443-477.
- Caramanis, C. and C. Lennox, 2008, Audit effort and earnings management, *Journal of Accounting and Economics* 45, pp. 116-138.
- Chen, H.L. Ho, M.H.C. and Hsu, W.T. (2019). "Does Board Social Capital Influence Chief Executive Officers' Investment Decisions in Research and Development?R&D Management, 43 (4): 381-393.
- chi, A. (2009). "Continuous auctions and insider trading", *Econometrica*, 53(6), 1315-1335.
- Choi, K. and W. S. Paek, 1998, Accounting enforcement and earnings manipulation, *Korean Accounting Review* 23, pp. 13-161.
- Clarke, J. & Shastri, K. (2000). On information asymmetry metrics. SSRN Working Paper. Recuperado em 14 setembro, 2011, de http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=251938.
- Clinch, G. Stokes, D. & Zhu, T. (2012). Audit Quality and Information Asymmetry between Traders. *Accounting & Finance*. 52(3):743-765.
- Cohen, D. A. Dey, and T. Z. Lys, 2008, Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-Sarbanes-Oxley periods, *The Accounting Review* 83, pp. 757-787.
- Cormier, D. and Magnan, M. (2009), "Corporate environmental disclosure strategies: determinants, costs and benefits", *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. 14 No. 3, pp. 429-51.
- Davidson, R.A. and D. Neu. (1993)"A note on Association between Audit Firm size and Audit Quality". *Contemporary Accounting Research*. Vol.9, pp479-488.
- DeAngelo, L. 1981, Auditor size and audit quality, *Journal of Accounting and Economics* 3, pp. 183-199.
- DeAngelo, L.E. (1981)."Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3). 183-189.
- Dunn, K. and Mayhew, B.W. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, 9 (1): 35-58.
- Feroz, E. K. Park, and V. Pastena. (1991). the financial and market effects of the SEC's accounting and auditing enforcement releases. *Journal of ccounting Research* 29 (Supplement): 107-142.

- Francis, J. and D. Stokes, 1986, Audit price, product differentiation and scale economic: Further evidence from the Australian market, *Journal of Accounting Research* 24, pp. 383–93.
- Francis, J. E. Maydew, and H. Sparks, 1999, The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals, *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 18, pp. 17–34.
- Goh, J. M. S. I. Kim, and H. Y. Lee, 2009, The association between proxies for audit quality and the quality of accruals, *Korean Accounting Review* 34, pp. 1–43.
- Graham, J. C. Harvey, and S. Rajgopal, 2005, The economic implications of corporate financial reporting, *Journal of Accounting and Economics* 40, pp. 3–73.
- Habib, A. and Bhuiyan, M. and Borhan, U. (2011). Audit industry specialization and the audit report lag. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 20: 32–44
- Hesham Abdelghany, (2015), “The Effect of Accounting Disclosure Quality and Information Asymmetry on the Stock Market Activity An Applied Study on Listed Companies in the Egyptian Stock Market”, *International Academic Conference, London 18th*, PP. 1-11.
- Hyttinen, A& Pajarinen, M. (2005). External finance, firm growth and the benefits of information disclosure: evidence from Finland. *European journal of Law and economics*, vol 19, pp 69-93
- Jensen, M. C. and W. H. Meckling, 1976, Theory of the firm: Managerial behavior, agent cost, and ownership structure, *Journal of Financial Economics* 3, pp. 305–360.
- Johnson, V. E. I. K. Khurana, and J. K. Reynolds, 2002, Audit-firm tenure and the quality of financial reports, *Contemporary Accounting Research* 19, pp. 637–660.
- Kang, N. C. and K. H. Kim, 2005, The effect of audit failure on audit fees, *Korea Accounting and Audit Review* 41, pp. 219–239.
- Krishnan, Gopal.v. (2005). “Audit quality and the Pricing of Discretionary accruals”. *A Journal of Practice & Theory*. Vol ۲۲(۱).
- Lang, M. and Lundholm, R. (1993), “Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures”, *Journal of Accounting Research*, Vol. 31 No. 2, pp. 246-71.
- Li. Kai, Zhao. Xinlei. (2008). Asymmetric Information and Dividend Policy, *Financial Management*, First published: 03 December 2008, <https://doi.org/10.1111/j.1755-053X.2008.00030.x>
- Liao, H.H. T.K. Chen and C.W. Lu, 2009, Bank credit risk and structural credit models: Agency and information asymmetry perspectives. *Journal of Banking and Finance*, forthcoming.
- Lim, Y. D. 2006, Auditor tenure and audit quality: Evidence from the Korean audit market, *Korean Accounting Review* 31, pp. 183–213.
- Myers J. N. Myers L. A. and Omer C. T. (2003). "Exploring the Term of the Auditor-client relationship and the quality of Earnings:A case for Mandatory Auditor rotation?. *The Accounting Review*, Vol. 78, Issue 3, pp. 779-799.
- Myers, J. N. L. A. Myers, and T. C. Omer, 2003, Exploring the term of the auditor–client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review* 78, pp. 779–799.
- Na, J. K. and K. H. Choi, 2005, The effect of the audit firm industry expertise on the quality of earnings, *Accounting and Audit Review* 41, pp. 261–297.
- Na, J. K. and K. H. Choi, 2006, Auditor industry specialization and the differential audit fees: Fee premiums or fee discounts, *Korean Accounting Review* 31, pp. 33–67.

- Palmerose, Z. (1988)"An Analysis of Auditor Litigation and Audit service Quality. The Accounting review.Vol.64, pp.55-73.
- Palmrose, Z. 1986, Audit fees and auditor size: Further evidence, Journal of Accounting Research 24, pp. 97-110.
- Park, J. I. and K. A. Jeon, 2008, The effect of audit quality on book-tax differences, Korean Accounting Review 33, pp. 65-109.
- Park, J. I. and S. R. Yoon, 2014, Empirical evidence on the relationship between discretionary accruals and the cost of debt, Korean Accounting Review 39, pp. 359-410.
- Park, J. I. M. K. Lee, and J. Y. Weon, 1999, Auditor's audit quality analysis using discretionary accruals, Study on Accounting, Taxation & Auditing 35, pp. 289-319.
- Richardson.J. (2000). Information Asymmetry and Earnings Management: Some Evidence, Review of Quantitative Finance and Accounting,December 2000, Volume 15, Issue 4, pp 325-347.
- Ruiz-Barbadillo Emiliano, Nieves Go´mez-Aguilar, and Nieves Carrera (2009) Does Mandatory Audit Firm Rotation Enhance Auditor Independence?
- Scott, W. R. 2003. Financial Accounting Theory. 3rd Edn. Prentice Hall Pub.
- Song, I. M. Y. H. Park, and S. J. Park 2014, Big 4 reputation effects on market premiums and audit fees, Korean Accounting Review 39, pp. 221-263.
- Teoh, Wong. (1993). Perceived Auditor Quality and the Earning Respvse Coefficient. The accounting review. Vol ۶۸.No ۲.pp.۳۴۶-۳۶۵
- Titman, S. and B. Trueman, (1986)"Information Quality and the Valuation of New Issues. Journal of Accounting and Economics. Vol.8, pp159-172.
- Wallace, W. 1987, The economic role of the audits in free and regulated markets: A look back and a look forward, Research in Accounting Regulation 17, pp. 267-298.
- Yong.K, Sun.H. (2020). Information Risk and Debtholders' Mispricing by Considering Audit Quality, Asia-Pacific Journal of Financial Studies (2020) 49, 463-508.

The moderating role of audit quality on the relationship between financial information disclosure risk and information asymmetry

Mohsen Hadavand Mirzaei¹

Date of Receipt: 2022/03/13 Date of Issue: 2022/04/24

Abstract

Investors and lenders make decisions based on information published in economic, financial and non-financial reports. In addition to financial information, investors and creditors include non-financial information such as employee information, social and environmental performance, and intangible assets in their decisions. To make information clearer, managers can voluntarily disclose financial and non-financial information of a company's economic facts through financial reporting. The overall purpose of this study is to investigate the moderating role of audit quality on the relationship between financial information disclosure risk and information asymmetry of 105 companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period 1392 to 1399. Therefore, it can be said that there is a direct relationship between information disclosure risk and company information symmetry and also audit quality has a moderating role on the relationship between financial information disclosure risk and company information symmetry.

Keywords

Audit quality, risk of financial information disclosure, information asymmetry

1. Master of Accounting, mhsnmirzaee2@gmail.com.